



همان اوایل سریال، وقتی خانواده عمه محترم برای بردن بیژن و منیژه به باغ، راهی خیابان‌های پایین شهر می‌شوند، بیژن با آن شلوار کردی گشاد و کاپشن تنگ، هوشنگ (عزت...) مهرآوران را بغل می‌کند و درخواست می‌کند اجازه دهد با شورولت بیایند. نمای بسته بهروز بغض و زمزمه شعر آهنگ بوی عیدی فرهاد...

وضعیت سفید علاوه بر بازنمایی حافظه تصویری
حافظه صوتی دهه ۶۰ نیز هست

از فرهاد مهراد تا حسین علیزاده



گلکار، فرزندان، دامادها، عروس‌ها، نوه‌ها و بستگان این جمع، بر مبنای جنس روابط آدم‌ها در دهه ۶۰ روایت می‌شود.

ارزش‌های آن روزگار بازنمایی می‌شود و کشمکش‌هایی متفاوت از آنچه امروزه تجربه می‌کنیم در برابر مخاطب قرار می‌گیرد. متناسب با همین درونمایه، تصویر این مجموعه نیز پراز خاطره‌بازی است. از فرقه و شیشه‌های سرکه و مربا و نوشابه تا دوک‌های نخ و تشنگ نوšابه گرفته و ماشین‌های بافتنی رومیزی. از لوازم‌التحریر خاص دهه ۶۰ تا فضاهای شلوغی که ملتهب از حال و هوای جنگ بودند. محمدرضا شجاعی در کنار این طراحی صحنه چیره‌دستانه، لباس‌های این دوره را هم به بهترین شکل بر تن بازیگران دوخته و بافت تصویری فوق‌العاده‌ای به‌وجود آورده است.

همایون فال و عباس بهادری تبدیل شدند به ستاره. البته در این میان باید به فرهاد مهراد هم اشاره کرد. فرهاد گرچه در دهه ۶۰ امکان خواندن و تولید اثر را پیدا نکرد، اما کارهای پیش از انقلابش از جمله بوی عیدی، والا پیامدار، مرد تنها، جمعه و گنجشک اشی مشی روی کاست‌های ۳۰ دقیقه‌ای و ۶۰ دقیقه‌ای کپی خانگی، دست به دست می‌چرخید. شعر و صدای فرهاد در وضعیت سفید هم شنیده شد.

همان اوایل سریال، وقتی خانواده عمه محترم (افسانه بایگان) برای بردن بیژن و منیژه (سهیلا گلستانی) به باغ، راهی خیابان‌های پایین شهر می‌شوند، بیژن با آن شلوار کردی گشاد و کاپشن تنگ، هوشنگ (عزت...) مهرآوران را بغل می‌کند و درخواست می‌کند اجازه دهد با شورولت بیایند. نمای بسته بهروز، بغض و زمزمه شعر آهنگ بوی عیدی فرهاد...

بگذار که دل کند این مساله‌ها را



تیتراژ پایانی وضعیت سفید هم اثر درخشانی شد. سهراب پورناظری بر اساس شعر محمدعلی بهمنی قطعه «نقش فرش دل» را ساخت و علیرضا قربانی به بهترین شیوه آن را خواند. همکاری پورناظری و قربانی پیشتر هم اتفاق افتاده بود و نتیجه خویش را می‌توان در آلبوم «بر سماع تنبور» در دستگاه ماهور شنید.

بی تکرار تاریخ موسیقی ایران، زمانی هم ساخته پرویز مشکاتیان را اجرا کردند و نتیجه شد آلبوم «بیداد»؛ آلبومی که همچنان از جمله بهترین کارهای نه فقط این آدم‌ها که کل تاریخ موسیقی دستگاهی ایران است. سال بعدش هم «نوا (مربک خوانی)» و آن شعر و آواز بی‌مانند:

بگذار تا مقابل روی تو بگذریم
دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم
انگار کمی از سریال دور شدیم، چاره‌ای نبود. لطفی، شجریان، مشکاتیان، علیزاده، عندلیبی، ناظری و طهماسبی البته سایه سروهای رعنای يك باغ هستند. شاخه‌ها و ریشه‌هایشان به هم تنیده. نمی‌شود سراغ یکی را گرفت و دیگری را ندید. در وضعیت سفید البته شد. ناظری و افتخاری و کامکار شنیده شدند، ولی شجریان نه.

دهه ۶۰ موسیقی پاپ هم داشت. البته کم‌رمق و نحیف بود. ستاره‌های موسیقی پاپ پیش از انقلاب یا رفته بودند یا صدایشان خاموش شده بود. اصرار بر تولید سرود هم مزید بر علت شده بود و به قول حافظ از موسیقی پاپ فقط در حد بودنش نشانه‌ای پیدا می‌شود (و نه از ضعف در آنجا اثری نیست که نیست).

بوی عیدی، بوی توپ



«باز هم مرغ سحر» و «آی نسیم سحری» و «گل می‌روید به باغ» بسیار شنیده شدند و حسن

وضعیت سفید با تصاویر پرتحرکی از پیکان‌های یخچالی، تاکسی‌های نارنجی، نیمکت‌های مملو از دانش‌آموز، آثاری و قطعاتی از برنامه‌های تلویزیونی دهه ۶۰ شروع می‌شود و روی همه این تصاویر، صدای يك کمانچه گرم را می‌شنویم.

قطعه «از عشق» را سهراب و طهمورث پورناظری ساخته‌اند و ضرباهنگ تندش با تدوین و انتخاب تصاویر ساسان توکلی فارسانی همراه شده و تیتراژ بسیار خوبی برای سریال حمید نعمت‌ا... و هادی مقدم دوست رقم زده‌اند. در مورد نشانه‌های ارجاع‌دهنده به دهه ۶۰ وضعیت سفید، صحبت‌های زیادی شده است. داستان روزگار مادر بزرگ پا به سن گذاشته خانواده

شد که زمانه خویش را روایت می‌کرد. «کربلا کربلا، ما داریم می‌آییم» حاجی بخشی، «ای لشکر صاحب زمان آماده باش آماده باش» و قطعاتی دیگر از مثنوی شهادت حاج صادق آهنگران مهم‌ترین‌های این دسته هستند. این نواها یا از تلویزیون باغ مادر بزرگ یا بلندگوی مدرسه محل اسکان جنگ‌زده‌ها یا رادیوهای گوشه و کنار روستا شنیده می‌شد.

جمع اساتید موسیقی

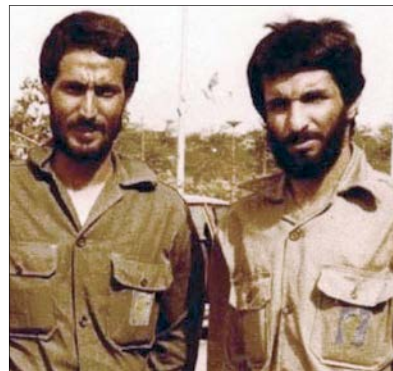


در خط دیگر حافظه شنیداری شکل گرفته در دهه ۶۰، شخصیت، کارنامه و آثار تولید شده توسط حسین علیزاده نقش به‌سزایی دارد. علیزاده که برآمده از جریان نوگرایی در موسیقی اصیل ایران بود، فرصت خلق بخشی از بهترین کارهایش را پیدا کرد؛ نی‌نوا، نوبانگ کهن، رازونباز و ترکمن. نی‌نوا، جان تازه‌ای به نی بخشید. جمشید عندلیبی آنچنان در این ساز دمید که سال‌ها از آن خاطره ساخت و ماند. ترکمن هم چنین سرنوشتی رقم زد. دوست و همراه دیرینه علیزاده، یعنی محمدرضا لطفی هم در این سال‌ها مردانه می‌نواخت. بی‌کم و کاست، پرهیمه و اصیل. لطفی چند ماه قبل از آغاز تهاجم سراسری ارتش بعث به ایران همراه با ناظری اثر «کاروان شهید» را منتشر کرد. پیشتر هم «سپیده» را ساخته بود و فراوان قدر دید. همراهی او با شجریان جلوه‌های دیگری هم داشت: «عشق داند» و به «یاد عارف»، همین زوج

در کنار همه این جزئیات محتوایی، روایی و تصویری، باند صوتی سریال وضعیت سفید هم در تلاش است تا آلبوم خاطره‌انگیزی را جمع‌آوری کند. به همین دلیل می‌توانیم بر مهم‌ترین موسیقی‌های شنیده شده در دهه ۶۰ مروری داشته باشیم. بخش مهمی از موسیقی‌های خاطره‌انگیز این دوره، توسط تلویزیون تولید و منتشر شده بود، اما در کنار این جریان قدرتمند، دو خط اصلی دیگر در تاریخ شنیداری دهه ۶۰ نقش‌آفرینی جدی دارند، نخست: مداحی‌ها و نوحه‌های متأثر از فضای جبهه و جنگ و دوم: موسیقی ایرانی (نه سنتی) عبور کرده از فیلتر انقلاب اسلامی. البته در تحلیلی دقیق‌تر می‌توان موسیقی تلویزیون را نیز به دو گروه موسیقی فیلم و سریال و کارتون و همچنین تولیدات مرکز موسیقی و سرود سازمان تقسیم کرد.

همه این انواع موسیقی به تناسب امکاناتی که داستان و فضای روایی در اختیار سازندگان قرار می‌داده است، در سریال شنیده می‌شوند.

بانوای جبهه‌ها



نوحه «ممد نبودی ببینی» که غلام کویتی پور آن را بر مبنای موسیقی جنوب ایران بعد از آزادی خرمشهر از دست ارتش بعث عراق خواند، یکبار به سر زبان‌ها افتاد و سال‌های بعد هم تبدیل به موسیقی‌ای